

ابعاد پیشنهاد رفراندوم برای حل مسأله فلسطین (2)



ابعاد پیشنهاد رفراندوم برای حل مسأله فلسطین(2)

مهدی عزیزی

یکی از ابعاد مهم هر طرحی، توجه به لوازم آن طرح است که بدون در نظر گرفتن آن ، عملی شدن طرح، میسر نیست. بررسی و تحلیل هر یک از این لوازم، به هموارشدن مسیر اجرای این پیشنهاد کمک شایانی می کند. طرح پیشنهادی رفراندوم برای حل مسأله فلسطین نیز لوازمی دارد که برای تحقق عملی این طرح در گرو اجرای این لوازم است. در ادامه به برخی از مهمترین این لوازم اشاره می شود:

1. انعکاس رسانه ای این پیشنهاد در سطح وسیع

از آنجا که فطرت انسانی بشر متمایل به صلح و عدالت خواهی است و با توجه به بعد صلح آمیز و عادلانه بودن این طرح، اگر این طرح به صورت گسترده در جهان رسانه ای شود و ملتهای دنیا با ابعاد این پیشنهاد رهبر معظم انقلاب آشنا گردند زمینه برای پذیرش افکار عمومی و فشار جامعه بین المللی به رژیم صهیونیستی فراهم می گردد و در پی آن زمینه اجرای این طرح فراهم می شود. بنابراین یکی از لوازم مهم برای اجرایی شدن این پیشنهاد، اطلاع رسانی و رسانه ای کردن آن در سطح وسیع جهانی است که بدون آمادگی افکار عمومی چنین کاری ممکن نخواهد بود.

متأسفانه تا کنون ابعاد پیشنهاد مقام معظم رهبری، آن گونه که می بایست رسانه ای نشده و از سوی اصحاب رسانه به درستی مورد مذاقه و بررسی قرار نگرفته است. سکوت رسانه ها در این موضوع، معظم له را بر آن داشت تا این موضوع را بارها مورد تکرار قرار دهند.

2. ایجاد گفتمان در بین نخبگان

نخبگان هر جامعه ای به منزله تاثیر گذاران اصلی در جریان های فرهنگی و سیاسی آن جوامع محسوب شده و عموم مردم از نخبگان سیاسی و فرهنگی آن جامعه تاثیر می پذیرند، برای اجرای هر طرحی در سطح وسیع می بایست ابتدا نخبگان جامعه توجیه شوند و آن طرح در بین نخبگان به گفتمانی عمومی تبدیل گردد. بنابراین یکی از لوازم اجرای این طرح، مانند سایر طرح های مهم این است که این پیشنهاد در بین نخبگان سیاسی ملت های جهان تبدیل به یک گفتمان مهم سیاسی به عنوان بهترین راه حل موجود برای حل بحران فلسطین تبدیل شود. گفتمانی که نتیجه اش خیزش و مطالبه عمومی برای اجرای آن باشد. اگر ابعاد این پیشنهاد برای نخبگان دنیا بالاخص نخبگان جهان اسلام روشن گردد مسیر حرکت برای اجرای آن هموارتر شده و مطالبه نخبگانی در سراسر دنیا آمادگی جهانی برای اجرای این پیشنهاد را در پی خواهد داشت.

3. جریان سازی بین المللی

از دیگر الزامات عملی شدن هر طرح مهم در سطح بین المللی، آمادگی جهانی برای پذیرش آن است. اما این آمادگی و تصدیق افکار عمومی برای پذیرش و تایید یک عملی، به تنهایی کافی نیست بلکه باید این آمادگی تبدیل به مطالبه عمومی و در نهایت تبدیل به خیزش و جریان مطالبه در سطح بین المللی شود. این جریان می تواند فشار به جامعه بین المللی و حتی رژیم صهیونیستی برای اجرای این همه پرسی را

در پی داشته باشد و بدون این فشار، با توجه به موانعی که بر سر اجرای این پیشنهاد وجود دارد، اجرایی شدن این طرح ممکن نیست.

4. همبستگی و اراده دولتهای اسلامی و عربی

پس از جنگهای متعدد اعراب و اسرائیل و شکست دولتهای عربی، کم کم زمزمه های صلح با رژیم اشغالگر آغاز شد و دولتهای عربی خود را آماده کردند تا واقعیتی به نام رژیم اسرائیل را قبول کنند. با مذاکرات صلح کمپ دیوید، مصر که یکی از مهمترین کشورهای عربی و از مخالفان سرسخت اسرائیل در منطقه بود، از جرگه مبارزه با اسرائیل خارج شد و بعد از آن کشورهای دیگر هم به تدریج پرچم مبارزه با اسرائیل را کنار گذاشتند.

یکی دیگر از لوازم مهم اجرایی شدن این پیشنهاد، بیداری و همبستگی و دولتهای اسلامی و عربی و عزم و اراده آنها برای حل مسأله فلسطین از طریق رفراندوم است. اگر دولتهای اسلامی و عربی با عزم و اراده جلو بیایند، ملتها هم پشت سر آنها حرکت کرده و یک خیزش و مطالبه عمومی در منطقه به وجود خواهد آمد و این خیزش، مطالبه بین المللی و فشار جامعه جهانی برای اجرای این پیشنهاد را در پی خواهد داشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در این باره فرموده اند:

«این راه حل منطقی (پیشنهاد رفراندوم) باید تحقق پیدا کند و می شود تحقق پیدا کند. بعضی ها بگویند آقا چنین چیزی خواب و خیال است و ممکن نیست؛ خیر! می شود. کشورهای دریای بالتیک بعد از چهار سال و اندی که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای منطقه قفقاز بعضی در حدود صد سال قبل از این که شوروی تشکیل شود در اختیار روسیه تزاری بودند؛ بعد برگشتند و مستقل شدند. الان قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیه مستقلند؛ خودشان هستند. پس این ممکن است. این طور نیست که یک امر نشدنی باشد؛ خیر شدنی است. منتها اراده و عزم لازم دارد، جرأت و دلیری لازم دارد. کی باید دلیری به خرج دهد؟ ملتها یا دولتها؟ ملتها دلیرند، ملتها نمی ترسند؛ ملتها نشان داده اند که آماده اند. پس دولتها اینجا وظیفه دارند؛ در رأس همه و مقدم بر همه دولتهای عربی. نشست اخیر سران عرب در بیروت، نشست خوبی نبود؛ اینها می توانستند از این اجلاس استفاده های خیلی بزرگی بکنند که فقط به سود فلسطین نبود؛ به سود خود دولتهای عرب هم بود. امروز دولتهای عرب می توانند جلو بیافتند و محبویت و حمایت ملت های خودشان را در قضیه فلسطین کسب کنند.[1]»

